

## **Explaining and Ranking the Indicators of Government Efficiency and Effectiveness in Islamic Economics**

**Mohamad Hadi Zahedi Vafa\***

Received: 19/02/2017

**Mousa Shahbazi Ghiasi\*\***

Accepted: 17/10/2017

**Elyas Naderan\*\*\***

### **Abstract**

Over the past two decades, research on the role of government in the economy has focused on the size of government and its tasks in the economy in terms of the efficiency and effectiveness of the state in the economy. This change of view on the state of the economy has led to the formation of several studies on the formulation and presentation of indicators of government efficiency and effectiveness in global reports and research. In this regard, the adaptation of these indicators and the presentation of indicators derived from the principles and duties of the government in Islamic economics is of great importance. By adopting a straightforward conceptual approach to efficiency and effectiveness, the efficiency and effectiveness of the government can be arranged so that using resources and authority, the tasks are carried out in such a way that it has the highest output and revenue and achieve the most effective results. This research is based on the position and duties of the government in the economic system of Islam, after separating the areas of government duties, including macroeconomic, monetary and financial areas, government revenue and expenditure, justice and public welfare, administrative and management, regulation and market surveillance, security Economic and property rights and the field of science and education to extract and provide indicators of assessing the efficiency and effectiveness of government in the above areas and ranking each of the indicators based on the experts questionnaire. The index of the ratio of households under the headline of poverty to total households in the area of justice and welfare among 64 indicators, ranked first, which shows that according to expert opinions, the area of justice in measuring the efficiency and effectiveness of the government with the index (low) ratio Households under the poverty line are the most important component and indicator. The set of identified and ranked indicators in this research can be used to measure government performance in accordance with Islamic economics.

### **Keywords**

Government, Islamic Economics, Efficiency, Effectiveness, Indicators.

JEL Classification: H11, P43.

---

\* Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. zahedi@isu.ac.ir

\*\* M.A in Islamic Studies and Economics, Faculty of Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author). M.shahbazi@isu.ac.ir

\*\*\* Associate Professor of Economics, Faculty of Economics, Tehran University, Tehran, Iran. enaderan@ut.ac.ir

## تبیین و رتبه‌بندی شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت در اقتصاد اسلامی<sup>۱</sup>

محمد‌هادی زاهدی‌وفا\*

موسی شهبازی غیائی\*\*

الیاس نادران\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۵

مقاله برای اصلاح به مدت ۵ روز نزد نویسنده (کان) بوده است.

### چکیده

در دو دهه اخیر، پژوهش‌ها و تحقیقات مربوط به نقش دولت در اقتصاد از مباحث اندازه دولت و وظایف آن در اقتصاد به مقوله کارایی و اثربخشی دولت در اقتصاد معطوف گشته است. این تغییر نگاه به مقوله دولت در اقتصاد، موجب شکل‌گیری تحقیقات متعددی در خصوص تدوین و ارائه شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت در گزارش‌ها و پژوهش‌های جهانی شده است. در این میان انطباق این شاخص‌ها و ارائه شاخص‌های برآمده از مبانی و وظایف دولت در اقتصاد اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار است. با اتخاذ رویکرد مفهومی موسع از کارایی و اثربخشی، کارایی و اثربخشی دولت را می‌توان این‌گونه بیان نمود که با استفاده از منابع و اختیارات، وظایف به‌نحوی انجام گیرد که بیشترین خروجی و عایدی را داشته و در رسیدن به اهداف بیشترین اثربخشی حاصل شود. این تحقیق مبتنی بر جایگاه و وظایف دولت در نظام اقتصادی اسلام، پس از تفکیک حوزه‌های وظایف دولت مشتمل بر حوزه‌های کلان اقتصادی، پولی و مالی، درآمد و هزینه دولت، عدالت و رفاه عمومی، اداری و مدیریتی، تنظیم‌گری و نظارت بر بازار، امنیت اقتصادی و حقوق مالکیت و حوزه علم و آموزش به استخراج و ارائه شاخص‌های سنجش کارایی و اثربخشی دولت در حوزه‌های پیش‌گفته و رتبه‌بندی هریک از شاخص‌ها براساس پرسشنامه خبرگانی پرداخته است. شاخص «نسبت خانوارهای زیرخط فقر به کل خانوارها» در حوزه عدالت و رفاه عمومی از میان ۶۴ شاخص، رتبه نخست را به‌دست آورد که نشان می‌دهد براساس نظرات خبرگان، حوزه عدالت در سنجش کارایی و اثربخشی دولت با شاخص (پایین بودن) نسبت خانوارهای زیرخط فقر مهم‌ترین مؤلفه و شاخص است. مجموعه شاخص‌های مستخرج و رتبه‌بندی شده در این تحقیق می‌تواند در سنجش عملکرد دولت در انطباق با اقتصاد اسلامی استفاده گردد.

### واژگان کلیدی

دولت، اقتصاد اسلامی، کارایی، اثربخشی، شاخص.

طبقه‌بندی JEL: H11, P43.

zahedi@isu.ac.ir

\* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران

m.shahbazi@isu.ac.ir

\*\* دانش‌آموخته اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

enaderan@ut.ac.ir

\*\*\* دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، تهران، ایران

### مقدمه و بیان مسأله

یکی از بحث‌های چالش‌برانگیز در موضوعات اقتصادی، بررسی جایگاه و نقش دولت در اقتصاد بوده است، به طوری که حتی می‌توان گفت تفاوت نگاه‌ها به نقش دولت در اقتصاد موجب مرزبندی و تفکیک مکاتب و نگرش‌های اقتصادی مختلف شده است که می‌توان طیفی از نظرات را از ورود حداکثری دولت به اقتصاد تا دخالت در حد ضرورت شکل بگیرد. این طیف‌بندی می‌تواند برآمده از نوع نگاه هنجاری به دولت نیز باشد، بدین معنا که برخی از نظریات، دولت را به عنوان بهینه‌گر اجتماعی به حساب می‌آورند که در جهت ترجیحات عموم حرکت می‌کند و برخی از نظریات نیز دولت را همانند افراد می‌دانند که به دنبال نفع شخصی است. مبتنی بر این نظریات، دهه‌های متمادی محور مباحث دولت در اقتصاد، تعیین اندازه بهینه دولت بوده که البته این بحث هنوز به عنوان یک سؤال باز در اقتصاد مطرح است. پس از شکل‌گیری ادبیات مربوط به اندازه بهینه دولت در سال‌های اخیر بحث بر سر نقش دولت در اقتصاد به سمت ارزیابی کارایی و اثربخشی دولت معطوف گشته است (Afonso, Schaknecht & Tanzi, 2005, p.1).

در همین راستا برخی دامنه تعریف کارایی و اثر بخشی دولت را گسترش داده و بحث حکمرانی خوب را که به فاکتورهای نهادی، کیفیت بروکراسی، رضایت مردم، مبارزه با فساد و... توجه می‌شود، در دولت‌ها مورد بررسی قرار می‌دهند.

نظام اقتصادی اسلام برای دولت مسئولیت‌های گسترده‌ای را در زمینه سیاست‌گذاری، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی قرار داده است. این مسئولیت خطیر براساس وظیفه مهم اجرای عدالت در جامعه اسلامی و تکامل افراد در سایه اجرای احکام دینی از یک سو و ضرورت فراهم بودن شرایط برای رشد مادی مبتنی بر نیازها و استعدادهای فردی تعیین شده است.

کارایی دولت می‌تواند از دو رویکرد مورد بررسی قرار گیرد. رویکرد اول از یک مفهوم محدود نشأت می‌گیرد و رویکرد دوم برگرفته از یک نگاه موسع است. در رویکرد محدود کارایی به اندازه‌گیری ارتباط داده‌ها و ستانده‌ها یا موفقیت در تبدیل داده‌ها به ستانده‌ها

می‌پردازد (Low, 2000, p.6). رویکرد موسع و بسط یافته به کارایی این است که کارایی توان و قابلیت دولت برای ارتقای نظام اقتصادی، تولیدی و توزیعی و کاهش نااطمینانی است. کارایی در رویکرد بسط یافته بر تخصیص مخارج عمومی و نهادهای دولتی و ظرفیت مدیریت اقتصاد و اجرای سیاست‌ها در یک فضای باثبات و قابل‌پیش‌بینی تمرکز دارد. این رویکرد به کارایی درصدد است که بگوید مهم‌تر از انجام یک کار درست، انجام دادن درست یک کار است. بر این اساس کارایی در مفهوم محدود آن، به تولید بیشتر با نهادهای معین یا با حفظ تولید در یک سطح مشخص و کاهش دادن نهادهای مورد نیاز اشاره دارد. اما در مفهوم وسیع کارایی، تأکید بر دستیابی به خروجی<sup>۲</sup> درست با در نظر گرفتن استفاده بهینه از نهادهای است (Mimicopoulos et al, 2007, p.7).

در کنار مفهوم کارایی، مفهوم دیگری نیز به نام اثربخشی<sup>۳</sup> وجود دارد که مورد توجه این تحقیق است. اثربخشی دارای مفهوم گسترده‌تری نسبت به کارایی است به گونه‌ای که در برگیرنده کیفیت، خلق ارزش افزوده، رضایت‌مندی کارکنان (در بُعد سازمانی)، تعامل ستانده (تولید) با محیط اقتصادی و اجتماعی است (Bartuseviciene & Sakalyte, 2013, p.47). مسأله اصلی تحقیق حاضر این است که از منظر اقتصاد اسلامی براساس چه معیارها و شاخص‌هایی می‌توانیم بگوییم دولت عملکرد قابل قبولی داشته است. یا به بیان دیگر فعالیت‌های صورت گرفته در آن حوزه به چه میزان کارا و اثربخش بوده است. در این تحقیق با تکیه بر جایگاه دولت اسلامی در اقتصاد و تبیینی از وظایف دولت در نظام اقتصادی اسلام، شاخص‌ها و مؤلفه‌های کارایی و اثربخشی دولت در حوزه اقتصاد، مبتنی بر مفاهیم توسعه‌یافته از کارایی و اثربخشی ارائه می‌شود. روش‌شناسی مورد استفاده در این تحقیق برای ارائه نماگرها و شاخص‌های سنجش کارایی و اثربخشی دولت در اقتصاد اسلامی ترکیبی از روش‌های تحلیل منطقی، اسنادی و پرسشنامه‌ای جهت ارائه شاخص‌ها (نماگرهای) منفرد بوده است. بر این اساس ابتدا مبتنی بر منابع مختلف اعم از آیات، روایات و نظرات اندیشمندان اسلامی و بنای عقلا در اقتصاد متعارف، مجموعه‌ای از حوزه‌های

وظایف برای دولت در اقتصاد اسلامی استخراج شد و براساس آنها با استناد به منابع روایی و یا عرف و بنای عقلا مجموعه شاخص‌های کمی و کیفی استخراج و به تفکیک حوزه‌ها ارائه گردید. مجموعه شاخص‌ها در قالب یک پرسشنامه جهت اخذ تأیید خبرگانی به خبرگان این حوزه ارسال گردید تا تأیید یا عدم تأیید شاخص‌ها و میزان اهمیت هر یک در سنجش کارایی و اثربخشی آن حوزه مورد پرسش قرار گرفته و نتایج تحلیل گردد.

ساختار این تحقیق بدین شرح است: پس از تبیین بیان مسأله و تحقیقات پیشین، به بررسی مفهومی و مبانی نظری کارایی و اثربخشی در اقتصاد اسلامی پرداخته خواهد شد. سپس شاخص‌های سنجش کارایی و اثربخشی دولت در اقتصاد اسلامی در حوزه‌های وظایف دولت استخراج و تبیین می‌شود. در بخش بعدی به بررسی نتایج پرسشنامه رتبه‌بندی شاخص‌ها پرداخته می‌شود و در نهایت جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد.

#### ۱. مروری بر تحقیقات پیشین

برخی از مطالعات و تلاش‌های انجام‌شده در موضوعات مرتبط با شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت در اقتصاد و کیفیت سنجش کارآمدی وظایف دولت به اختصار ذیلاً اشاره می‌گردد.

##### ۱-۱. مطالعات خارجی

آفونسو، اسکاگنگت و تانزای<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) در تحقیقی با موضوع شاخص‌های کارایی دولت به ارائه شاخص‌های عملکرد بخش عمومی و کارایی بخش عمومی و اندازه‌گیری آنها در کشورهای مختلف می‌پردازند. مؤلفان شاخص‌ها را به زیرشاخص‌های «هزینه فرصت» و «سه وظیفه ماسگریوی دولت» یعنی تخصیص، توزیع، تثبیت تقسیم می‌کنند و پس از اندازه‌گیری در کشورهای منتخب نتیجه‌گیری می‌کنند که با توجه به تفاوت عملکرد بخش عمومی با کارایی بخش عمومی، بخش زیادی از مخارج دولت به‌طور بالقوه می‌تواند کاهش پیدا کند. گرن و توسان<sup>۵</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه خود راجع به تحلیل کارایی دخالت‌های بخش عمومی در کشورهای منتخب عواملی همچون قوانین حقوقی و کیفیت بروکراسی، تخصیص، ثبات

اقتصادی، رشد اقتصادی و توزیع درآمد را به‌عنوان نتایج و عملکردها و مخارج دولتی و مقررات‌گذاری را به‌عنوان ورودی و داده‌ها در نظر می‌گیرد و با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها<sup>۶</sup> و تکنیک محاسبه کارایی نسبی به رتبه‌بندی ۵۱ کشور منتخب می‌پردازد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که به‌طور کلی کارایی دولتی در بازه مورد مطالعه افزایش یافته و ارتباط معناداری بین شاخص کارایی بخش عمومی و توسعه اقتصادی وجود دارد.

آنجلوپولس و فیلیپوپولس<sup>۷</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه خود که به بررسی تأثیر یا عدم تأثیر کارایی دولت در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بر رشد اقتصادی پرداخته‌اند، با انتخاب پنج حوزه آموزش، زیرساخت‌ها، اداری و ثبات اقتصادی ضمن محاسبه شاخص‌های کارایی (نسبت خروجی هر بخش به داده آن) در هر یک از این حوزه‌ها به محاسبه شاخص کل کارایی دولت و ارتباط آن با رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نقطه قوت این مطالعه احصاء بخش‌های مهم وظایف دولت و تعیین معیارهای کارایی در هر یک می‌باشد.

بارتوسویسینس و ساکالیت<sup>۸</sup> (۲۰۱۳) در مقاله‌ای به بررسی موضوع ارزیابی عملکرد سازمان‌ها براساس شاخص‌های کارایی و اثربخشی پرداخته‌اند. این تحقیق به ارائه تعاریف روشن و متمایز از دو مفهوم کارایی و اثربخشی پرداخته است. کارایی در این تحقیق سازوکار موفق در تبدیل داده‌ها به ستانده‌ها و اثربخشی نیز به این موضوع می‌پردازد که ستانده‌ها چگونه با محیط اقتصادی و اجتماعی در تعامل قرار می‌گیرند.

قحف<sup>۹</sup> (۱۹۹۸) در پژوهش خود با رویکرد اسلامی به بررسی نقش دولت در اقتصاد می‌پردازد و بیان می‌دارد که نقش دولت از سه اصل شورا، امر به معروف و نهی از منکر، راهنمایی‌های شریعت در باب ترجیحات عمومی پیروی می‌کند این تحقیق وظایف و خطوط کلی نقش دولت در نظام اسلامی را بدین صورت عنوان می‌دارد: اول: مدیریت اموال عمومی در جهت حداکثرسازی ترجیحات عمومی، دوم: زمینه‌سازی در جهت حفاظت از جامعه و پشتیبانی از خواسته‌های فرهنگی، دینی و اقتصادی جامعه، سوم: افزایش کافی درآمدها جهت

تأمین بودجه اداری و وظایف دولتی، چهارم: توانمندسازی افراد جهت تولید کارا و دست‌یابی به رفاه اقتصادی، پنجم: حفظ ثبات اقتصادی به‌ویژه در توزیع و بازتوزیع درآمد و ثروت.

## ۲-۱. مطالعات داخلی

صباغ‌کرمانی و باسختا (۱۳۸۷) در تحقیق خود با استفاده از مفهوم حکمرانی خوب، به بررسی نقش این متغیر، در بهبود کارکرد هزینه‌های آموزشی و بهداشتی کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی پرداخته‌اند. در این تحقیق روابط سه حوزه «حکمرانی خوب» و «شاخص‌های بهداشتی و آموزشی» و «هزینه‌های دولت» مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور از شاخص‌های فساد و بروکراسی اداری به‌عنوان متغیرهای نشان‌دهنده وضعیت حکمرانی در کشورهای مذکور استفاده شده است. با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحقیق، حکمرانی خوب نقش غیرقابل انکاری در افزایش تأثیرگذاری هزینه‌های دولت داشته است.

رضایی (۱۳۸۳) در پژوهش خود ضمن بررسی اهداف، وظایف و اختیارات دولت اسلامی، به بیان تفاوت‌های دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها می‌پردازد. این مقایسه در موارد هدف نهایی فعالیت دولت، سیاست‌گذاری، تأمین اجتماعی و رفع فقر، تولید کالاهای عمومی، توازن اجتماعی و... صورت گرفته و نشان می‌دهد دولت اسلامی در عین داشتن مشترکاتی، دارای دیدگاه و قلمرو مستقلی است. این محقق براساس روایات و بررسی تاریخی به بیان اهداف و وظایف دولت اسلامی می‌پردازد و ادعای کارآمدی دولت اسلامی در مقایسه با دیگر دولت‌ها را به دور از حقیقت نمی‌داند.

خاندوزی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه دکتری خود با استفاده از نماگرهای ترکیبی به شاخص‌سازی عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی در اقتصاد ایران پرداخته است. در این تحقیق عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی به چند مؤلفه اصلی تفکیک شده و سپس برای هر مؤلفه یک نماگر تقریبی برگزیده و در شاخص نهایی ترکیب شده است. ابعاد شاخص عدالت با رویکرد اسلامی در این مطالعه عبارتند از: حق مالکیت، حقوق مبادلاتی، حق برخورداری از سهم در تولید، حق دسترسی همگان به ثروت‌های عمومی، حق نیازمندان در ثروت‌های

خصوصی، حق برخورداری نسل‌های آتی، حق استفاده مشروع از اموال و حق بهره‌برداری بهینه از منابع.

## ۲. مبانی نظری کارایی و اثربخشی وظایف دولت در اقتصاد اسلامی

در این بخش اختصاراً به تبیین مفاهیم و مبانی نظری تحقیق در دو بخش وظایف دولت اسلامی در حوزه اقتصادی و کارایی و اثربخشی در چارچوب اسلامی پرداخته می‌شود. استخراج شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی که در بخش بعدی تحقیق استخراج و رتبه‌بندی می‌شود براساس مبانی نظری تشریح شده در این بخش است.

### ۱-۲. چارچوب وظایف دولت در اقتصاد اسلامی

نظام اقتصادی اسلام به‌عنوان یکی از اجزای مهم نظام اسلامی، که اهدافش هماهنگ با اهداف کل و کلان جامعه اسلامی است، دولت و مجموعه حکومت را به‌عنوان بازوی مهم جامعه می‌داند که افراد جامعه را به‌سوی تکامل و رشد الهی هدایت کرده و بستر لازم را برای تأمین ابزارها و نیازهای مادی و رفاهی آنان در سطح موردنیاز فراهم نماید. بر این اساس دخالت دولت در نظام اقتصادی مبتنی بر اسلام، یک دخالت مسئولانه است و باید از منابعی که در اختیار دارد به‌بهترین نحو استفاده نموده و در نیل به اهداف جامعه اسلامی، سیاست‌ها و برنامه‌های اثربخشی را تدوین و اجرا نماید. در اقتصاد اسلامی، دولت نهاد مهم و اساسی است و شناخت حیطه دخالت آن به تبیین دقیق وظایف دولت اسلامی براساس متون دینی و مقایسه آن با وظایف انواع دولت‌های مطرح در ادبیات اقتصادی نیازمند است. با تعیین موقعیت جایگاه دولت اسلامی و رابطه آن با دولت‌های امروزی می‌توان عملکرد دولت‌های اسلامی و نتایج حاصله از حضور آن را حدس زد.

تحقیقات و مطالعات نسبتاً زیادی در خصوص وظایف دولت در اقتصاد اسلامی مبتنی بر آیات و روایات و سیره برخی از ائمه اطهار همانند حضرت علی(ع) در حکومت‌داری صورت گرفته است. ولی مسأله مهمی که در این خصوص باید موردتوجه قرار گیرد این است که هرچند در این برخی ثابتات وجود دارد ولی تطورات اجتماعی و نقش دولت‌ها در اجتماع



تغییرات نسبتاً زیادی داشته است که بر این اساس ضرویست مبتنی بر اصول اسلامی، ترتیبات حاکمیتی نیز دست خوش تغییر قرار گیرد تا اهداف نظام اسلامی محقق گردد. براساس مسأله پیش گفته در این بخش صرفاً به خطوط کلی و اصلی وظایف دولت اشاره می‌گردد و در بخش ارائه شاخص‌ها، مستندات نظری هر شاخص تبیین و تشریح می‌گردد.

شهید صدر وظایف دولت اسلامی را در قبال زندگی اقتصادی عموم مردم و بهره‌مندی همه آحاد ملت از ثمرات رشد اقتصادی، سه مطلب عمده می‌داند؛ به عبارت دیگر، مداخله دولت در امور تولید اقتصادی به طور عمده در سه چیز است (جهانیان، ۱۳۸۱، ص. ۲۵۱):

✓ اول: تضمین و تعیین حداقل و حداکثر تولید کالاهای ضروری، چون مکانیسم بازار به تنهایی پاسخ‌گو نیست.

✓ دوم: تعیین اهداف کلی سیاست رشد اقتصادی، تا رشد اقتصادی همراه با عدالت اقتصادی و معنویت حرکت کند.

✓ سوم: کنترل و نظارت بر بخش اول اقتصاد کشور (یعنی تولید مواد اولیه طبیعی، کشاورزی و معادن) و از این طریق بر بخش دوم و سوم اقتصاد یعنی صنعت و خدمات.

شهید صدر مسئولیت اصلی دولت اسلامی را محقق ساختن اصل «عدالت اجتماعی» می‌داند (صدر، ۱۳۵۷، صص. ۳۱۹-۳۴۱)، که در اجرای اصل تأمین اجتماعی و تحقق بخشیدن به اصل توازن (یا تعادل) اجتماعی نمود پیدا می‌کند.

مسأله مهمی که در خصوص ارتباط وظایف دولت با کارایی دولت در اقتصاد اسلامی وجود دارد این است که از نگاه کارایی و اثربخشی، دولت اسلامی در همه حوزه‌های اقتصادی دارای مسئولیت و وظیفه است، لکن تفاوت در نوع مسئولیت و مداخله با هدف افزایش کارایی و اثربخشی است. به بیان دیگر از منظر افزایش کارایی و اثربخشی دولت در چارچوب اسلامی، منطقه خالی وجود ندارد و بلکه معیارهایی وجود دارد که نوع مداخله دولت باید براساس دستیابی به آن معیارها تنظیم و طراحی می‌گردد. بر این اساس حوزه‌های هشتگانه بیان شده در بخش شاخص‌ها به‌عنوان افزایی از حوزه‌های مرتبط به نظام اقتصادی، محورهایی

هستند که براساس مجموع آیات، روایات و سیره ائمه اطهار در انطباق با نظام‌های اجتماعی حاضر، دولت عهده‌دار وظایفی است که براساس یکسری شاخص‌هایی که در این تحقیق استخراج و تبیین شده است، باید بیشترین کارایی و اثربخشی را در انجام وظایف و مسئولیت‌های خود داشته باشد. اینکه این کارایی و اثربخشی بر اساس کدام یک از اصول و آموزه‌های اسلامی قابل استخراج است در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲-۲. مفهوم کارایی و اثربخشی و آموزه‌های اسلامی آن

وضعیت ترسیم شده از کارایی و رفاه در اقتصاد متعارف چارچوبی را ترسیم می‌کند که اولاً در آن اتلاف منابع وجود ندارد و در ثانیاً تولیدات مربوطه در کمترین هزینه ممکن صورت گرفته و ثالثاً همان تولیدات بین مصارف مختلف به گونه‌ای توزیع شده است که مصرف‌کننده‌ها بیشترین منافع و مطلوبیت‌های ممکن را کسب کرده‌اند. لذا سیستم هم از لحاظ فنی کارآمد است و هم از جهت اقتصادی توجیه کافی دارد. موضوع بسیار معقول و متناسب جلوه می‌کند و هر تفکر و دیدگاه متعادل در قضاوت عمومی آن را تأیید می‌کند. ولی در چارچوب نظام اقتصادی اسلام مسأله کارایی و ورود آن به مسأله سیاست‌گذاری دارای قیود و شروطی می‌شود که می‌توان گفت نقطه افتراق اقتصاد اسلامی با اقتصاد متعارف است. محدودیت اول در بُعد احکام و قوانین شرعی است، به‌طور مثال مکاسب حرام ولو به بهترین شکل کارایی اقتصادی (فنی و تخصیصی) را فراهم نماید، از نظر اسلام مطرود است. مثلاً تولید و مصرف کالایی که زمینه وابستگی مسلمان‌ها به کفار را فراهم سازد و استقلال اقتصادی و غیراقتصادی را به‌خطر اندازد، ممنوع می‌باشد. قرآن در این رابطه تصریح می‌کند که خداوند هرگز زمینه تسلط کفار بر مؤمنان را مورد تأیید قرار نمی‌دهد «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۱۴۱).

در خصوص مفهوم اثربخشی نیز می‌توان بیان داشت که این موضوع به معنای رسیدن به نتایج و پیامدهای موردانتظار است. بر این اساس اثربخشی در مفاهیم اقتصاد اسلامی در حوزه

دولت به دلیل وجود تفاوت‌هایی در اهداف و مقاصد وظایف و مسئولیت‌های دولت، با اثربخشی دولت در سایر مکاتب اقتصادی تمایزاتی دارد.

عیوضلو (۱۳۸۴) بر این باور است که آنچه به عنوان روابط و معیارهای تعریف کارایی استفاده شده است، در واقع بیانگر معیارهای استفاده عاقلانه از اموال می‌باشند و با وضعیت قوام اقتصادی در تولید و مصرف سازگارند و وضع بایسته اقتصاد را به لحاظ ایجاد حداکثر تولید و حداکثر رضایت اجتماعی، براساس سلايق و ارزش‌های مفروض در هر نظام اقتصادی، نشان می‌دهند. این معیارها، در واقع، بیانگر حقوق بایسته اموال اقتصادی و منابع و عوامل تولید هستند و نهاد رقابت امکان تحقق این معیارها را در جامعه فراهم می‌سازد و در اثر آن ضرر اقتصادی حاصل از عدم تخصیص بهینه منابع از میان می‌رود. بیان اسلامی این معیارها را می‌توان در محورهای زیر بیان نمود:

#### ۲-۱. کارایی و استفاده عاقلانه و قوام‌گونه از اموال

اولین آموزه قرآنی که با مفهوم کارایی در ارتباط است آیه شریفه «وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵) است.

اموالتان را که خداوند سبب قوام (برپایی و استواری) زندگی شما قرار داده است به دست کم‌خردان و (ناواردان) ندهید.

«قوام» و «قیام» از یک ریشه‌اند و دارای یک محتوا و به معنای «ما يقوم و الشی» می‌باشند. و بر آنچه مایه ایستادگی و سبب پایداری و استواری و سامان‌یابی است دلالت دارند. روشن است که هر چیز آنگاه می‌تواند عامل «قوام» باشد و زمینه استواری چیز دیگری را فراهم آورد که در موضع مناسب خود قرار گیرد. موضع مناسب، رسیدن به آثار مفید هرچیز را ممکن می‌سازد؛ زیرا تنها در این صورت مطابق قانون عدل و عدالت است، قانونی که بر تمام کائنات و نظام تکوین حاکم است (عیوضلو، ۱۳۷۸، ص. ۷۲).

در این آیه شریفه انسان‌ها از هرگونه تصرف غیرعاقلانه بر اموال نهی شده‌اند. رعایت معیار کارایی شرط عاقلانه بودن تصرف در مال تلقی می‌شود که موجب ایجاد رشد اقتصادی

می‌شود و گرنه اقتصادی که در ثروت در آن اقتصاد رشدیابنده نباشد (به تعبیر شهید مطهری) نمی‌تواند موجب قوام اقتصادی شود.

امام سجاد(ع) در «رساله حقوق» معروف، درباره «حقوق مال» می‌فرماید: «... و أمّا حقّ المال، فإن لا تأخذه إلّا من حلّه، و لا تنفقه إلّا فی حلّه، و لا تحرفّه عن مواضعه، و لا تصرفه عن حقائقه، و لا تجعله إذا كان من اللّٰه إلّا إلیه، و سببا إلی اللّٰه» بدین معنا که حق مال، آن است که جز از راه حلال به دست نیآوری، و جز در راه حلال خرج نکنی، و آن را از جایگاه‌های خود منحرف نسازی و از وضع حقیقی (مصرف‌های درست آن)، دور نداری؛ و چون از خدا باشد، جز در راه خدا و قرب به خدا به کار نبری.

پس معلوم می‌شود که انحراف اقتصادی و دور کردن مال از وضع اصلی و حقیقی آن صورت می‌گیرد که این تعلیم بدان اشاره می‌کند، و چگونه ممکن است که این مواضع الهی و محدود مال، با مالکیت‌های آزاد تکاثری و تصرفات اترافی و مصرف‌های جهنمی که حد و مقدار ندارد یا نابجاست سازگار باشد، مصرف‌هایی که سرچشمه آن خواهش‌های اشرافی و هواهای نفسانی دسته‌ای است که هر چه بخواهند و به هر اندازه که بخواهند دارند، و هر چه بخواهند و به هر اندازه که بخواهند مصرف می‌کنند و طبیعت و نعمت‌های خدا و روزی‌های بندگان و تخصص‌ها و صناعت‌های بشری و انسان زحمتکش، همه را، در معرض استثمار و بهره‌کشی قرار می‌دهند (حکیمی و دیگران، ۱۳۶۷، ص. ۲۵۰).

## ۲-۲-۲. کارایی و حرمت اسراف و اتلاف

اسراف و ریخت و پاش اموال و کالاها و ارزاق و پوشاک و خانه و وسایل سواری و امثالهم، تحت عنوان اینکه شخص مال خود را مصرف کرده است ندارد، هر چند مصرف‌کننده مالک باشد، بر حسب ملاک‌های اسلامی تصرف در اموال و امکانات معیشتی دیگران است<sup>۱</sup>، چنان که امام علی(ع) می‌فرماید: «لِلْمَسْرِفِ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ، وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ، وَ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ مَسْرِفًا» بدین معنا که مصرف سه نشانه دارد: چیزی را می‌خورد که حق او

نیست، و چیزی را می پوشد که حق او نیست، و چیزی را می خرد که حق او نیست و چنین رفتاری جایز نیست (حکیمی، ۱۳۶۷، ص. ۱۶۷)

حضرت علی (ع) بر عدم اسراف و استفاده بهینه از منابع دولتی (مقارن با کارایی) به یکی از کارگزاران خود این گونه تأکید می فرمایند: «(در مکاتبات اداری با یکدیگر) نوک قلم هایتان را تیز کنید و فاصله سطرها را کم نمایید! از زیاده روی و اسراف بپرهیزید تا مخارج اضافی بر بیت المال تحمیل نشود!» (نهج البلاغه، باب ثانی، ص. ۳).

حرمت اسراف می تواند دارای دو جنبه باشند. جنبه اول جنبه معنوی مسأله است که ناشکری خدای متعال صورت می گیرد، و شخص با اسراف خود شکر نعمت الهی را به جای نمی آورد. جنبه دوم این است که با اسراف کردن، مصرف از حد مطلوب و بهینه خارج شده و به لحاظ مادی (با در نظر گرفتن اینکه خدای متعال نعمت ها را به قدر معین نازل فرموده است) خسارت وارد می شود.

#### ۲-۲-۳. کارایی و مفهوم احسان

کارایی در یک تعبیری با تعریف اسلامی آن به معنای حداکثرسازی تولید و رضایت مؤمنان در وضعیت قوام اسلامی است. در وضعیت قوام اقتصاد جامعه، نخست، به کارگیری منابع در موضع قوامی آن و برای ایجاد بیشترین بازدهی و عایدی صورت می پذیرد؛ دوم تخصیص ها و برخورداری ها خالی از سرزنش می باشند. به نحوی که عرف مسلمین تخصیص ها و برخورداری ها را عادلانه تلقی می کنند (عیوضلو، ۱۳۸۴، ص. ۱۱۰). کارایی تخصیصی به مفهوم «احسان» است. احسان در اسلام و در شریعت ما فقط به مفهوم نیکوکاری نیست، به معنی کار نیکو است. امام علی (ع) می فرمایند: «قیمه کل امرء ما یحسنه» (قیمت هر کس به اندازه عملکردش می باشد). عملکردی که می تواند در بازار آن تعیین ارزش شود.

#### ۲-۲-۴. کارایی و شکر

ماده «شکر» زمانی که نسبت به خدا مطرح می شود از نظر اهل لغت به معنای عمل به دستورات الهی است و لذا در یک مفاد کلی بهره برداری صحیح از امکانات را می رساند. البته شکر عملی

در برگیرنده شکر زبانی و قلبی نیز خواهد بود، اما شکر لفظی شکر عملی را (لزوماً) در بر نمی‌گیرد. در یکی از آیات قرآن ناسپاسی انسان ریشه بسیاری از مشکلات اقتصادی تلقی شده است. شهید آیت الله صدر این ناسپاسی را عدم بهره‌برداری صحیح از منابع و امکانات تفسیر می‌کند. در آیه مذکور تصریح شده که آنچه خواسته‌اید خداوند در اختیار شما قرار داده است، همانا انسان ناسپاسگزار و ستمگر می‌باشد (ابراهیم: ۳۴). شهید صدر با استفاده از این آیه تصریح می‌کند که کفران نعمت در واقع همان عدم بهره‌برداری صحیح و هدر دادن منابع طبیعی است و این ریشه نابسامانی‌های اقتصادی است. بخشی از کلام ایشان چنین است: «و کفرانه للنعمة بعدم استغلال جميع مصادر اللتی تفضل الله بها علیه استغلالاً تاماً» (صدر، اقتصادنا، ۱۹۹۰، ص. ۶۷۴). گذشته از این در بسیاری از آیاتی که عبارت «ابتغاء فضل» وارد شده، شکرگزاری نیز ذکر گردیده است. یکجا استفاده از نیروی باد و آب اشاره شده و سپس مسأله شکر مطرح گردیده است. در آیه دیگر کاربرد کشتی در دریا ذکر شده و سپس شکرگزاری به دنبال آمده است و در جای دیگر مشابه آن تکرار شده است<sup>۱۱</sup>.

در تعالیم اسلامی، چنانچه از یک نعمتی در راستای غایت آن و به درستی استفاده نگردد، شکر آن نعمت به جا آورده نشده است. آنچه خداوند می‌فرماید «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» بدین معنا اگر شکر کنید البته زیاده می‌کنم نعمت شما را، و اگر کفران نعمت ما کنید به درستی که عذاب من سخت است. شاید اشاره به این معنا داشته باشد که در صورت شکر (استفاده درست از نعمت مبتنی بر غایت و ابزار) یک شکوفایی و رشدی در جامعه ایجاد می‌شود که موجب زیادی نعمت از سوی خداوند متعال می‌گردد. بنابراین یکی از مراحل شکر و سپاسگزاری، بهره‌برداری صحیح از نعمت‌هایی است (مال، نعمت، علم، قدرت، سلامتی، نفوذ کلام) که به ما ارزانی داده شده است (حکیمی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص. ۱۱۲). پس از تبیین مفاهیم نظری کارایی و اثربخشی در آموزه‌های اسلامی در ادامه به تفکیک وظایف دولت در اقتصاد اسلامی شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت ارائه می‌گردد.

### ۳. شاخص‌های کارایی و اثر بخشی دولت در اقتصاد اسلامی

در این بخش مبتنی بر چارچوب وظایف دولت در اقتصاد اسلامی، شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت مشتمل بر ابعاد (حوزه‌های وظایف دولت اسلامی در اقتصاد) و شاخص‌های مربوط به هر یک از ابعاد ارائه و تبیین می‌گردد. پس از ارائه شاخص‌های مربوط به هر یک از ابعاد کارایی و اثربخشی دولت، نتایج حاصل از نظرسنجی خبرگان این حوزه جهت تأیید و انتخاب شاخص‌های مهم و تأثیرگذار در سنجش کارایی و اثربخشی دولت در اقتصاد اسلامی ارائه می‌گردد.

#### ۳-۱. حوزه کلان اقتصادی

رشد و شکوفایی کلان اقتصاد جامعه، محور مهم سیاست‌های دولت است که در چارچوب اقتصاد اسلامی نیز تأیید می‌شود. عمران و آبادی زمین و تأمین نیازهای مادی انسان از تعلیمات قرآن است که مردم را به آبادکردن زمین فراخوانده و می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) بدین معنا که او است شما را از زمین آفرید و آبادی آن را نیز به شما وا گذاشت.

در اندیشه امام علی(ع) اصلاح مردم به اصلاح خراج و مؤدیان آن می‌باشد که این خود بستگی بسیاری به عمران و آبادی دارد. سیاست‌های امام در جهت حمایت از صنعت‌گران، تجار و اصلاح بازار به هدف رشد تولید و رونق اشتغال و رفاه عمومی بوده است. بُعد اول از کارایی و اثربخشی دولت ناظر بر حوزه‌های کلان اقتصادی است که به نوعی بروندهای کلان اقتصادی محسوب می‌شوند. بر این اساس دولت در چارچوب اقتصاد اسلامی نیز باید نسبت به متغیرهای کلان اقتصادی جامعه حساس بوده و عملکرد خود را براساس آن مورد سنجش قرار دهد. در اقتصاد مؤلفه‌هایی همانند تورم، اشتغال، تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری و بهره‌وری کل از جمله عوامل مهم اقتصاد کلان یک جامعه محسوب می‌شوند، که در جدول ذیل شاخص‌های مرتبط استخراج و ارائه شده است:

جدول (۱): شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت در حوزه کلان اقتصادی

شاخص	روش سنجش/پیمایش	علامت اثرگذاری
ثبات ارزش پول ملی: رشد شاخص تورم	کمی	منفی <sup>۱۲</sup>
نسبت شکاف تورم واقعی با تورم هدف‌گذاری شده	کمی	منفی
نسبت جمعیت شاغل به جمعیت فعال	کمی	مثبت
نرخ رشد اقتصادی	کمی	مثبت
سهم بهره‌وری از رشد تولید	کمی	مثبت
نسبت سهم بخش‌های تولیدی و مولد (صنعت، معدن و کشاورزی) به سهم بخش‌های بازرگانی و خدمات از ارزش افزوده کل اقتصاد	کمی	مثبت
نسبت سرمایه‌گذاری به مصرف کل (در دوره‌ای معین)	کمی	مثبت

منبع: یافته‌های تحقیق

### ۲-۳. حوزه پولی و مالی

بُعد دوم در سنجش کارایی و اثربخشی دولت، حوزه پولی و مالی است. مسأله پول و قواعد و اصول مربوط به آن از جایگاه اساسی و مهمی در آموزه‌های اقتصادی اسلام برخوردار است. بررسی آموزه‌های اقتصادی اسلام نشان از آن دارد که بخش پولی در اقتصاد اسلامی باید کاملاً متناظر با بخش واقعی باشد و اساساً بخش پولی مستقلی که منافع و عایدی مستقل از بخش واقعی اقتصاد داشته باشد براساس آموزه‌های اسلامی قابل برداشت نیست. بررسی آموزه‌های مختلف اقتصاد اسلامی در حوزه پول و با توجه به ساختار اقتصادی ایران مؤلفه‌ها و شاخص‌های مندرج در جدول (۲) به‌منظور سنجش کارایی و اثربخشی دولت در حوزه پولی و مالی استخراج شده است.



جدول (۲): شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت در حوزه پولی و مالی

علامت اثرگذاری	روش سنجش / پیمایش	شاخص
منفی	کمی	تناسب بخش پولی با بخش واقعی نسبت رشد نقدینگی به رشد اقتصادی
منفی	کمی	تناسب بخش پولی با بخش واقعی نسبت بازدهی بخش پولی به متوسط بازدهی بخش واقعی
مثبت	کمی	سهولت و کیفیت دسترسی به تأمین مالی از نهادهای مالی (مدت زمان، هزینه و تعداد مراحل دسترسی به تسهیلات)
منفی	کیفی	سهام تأمین مالی (قرض) روی از کل تأمین مالی
منفی	کیفی	نسبت قراردادهای دارای شبهه روی به کل قراردادها

منبع: یافته‌های تحقیق

### ۳-۴. حوزه درآمد و هزینه دولت

هزینه و درآمد دولت اسلامی باید دارای اصول مشخص و دقیق در مصرف و بهره‌برداری منطبق با ضوابط اسلامی داشته باشد. به طوری که مصرف بیت‌المال باید با دقت و حساسیت زیاد صورت گیرد. این مسأله در آموزه‌ها و سیره حضرت امیر در دوران خلافت ایشان و نامه‌ها و خطبه‌های ایشان در نهج‌البلاغه به وضوح دیده می‌شود.

حوزه درآمد و هزینه دولت طیف زیادی از شاخص‌ها را در خصوص کارایی و اثربخشی دولت در بر می‌گیرد. مجموع اصول و ضوابط شرعی و بنای عقلا در نحوه درآمد و هزینه دولت جهت رسیدن به کارایی و اثربخشی دولت منتج به شاخص‌هایی شد که در جدول (۳) نشان داده شده است. رتبه‌بندی اهمیت این شاخص‌ها در بخش پایانی تحقیق ارائه خواهد شد.

**جدول (۳): شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت در حوزه هزینه و درآمد**

علامت اثرگذاری	روش سنجش / پیمایش	شاخص
مثبت	کمی	نسبت ارزش ستانده‌ها و خدمات ارائه شده در دستگاه‌های دولتی به بودجه آنها
منفی	کمی	نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی (تعادل بین منابع و مصارف دولت)
منفی	کمی	نسبت بدهی دولت به بانک مرکزی به درآمدهای عمومی دولت (عدم انضباط مالی)
منفی	کمی	سهم درآمدهای حاصل از منابع پایان پذیر (معادن نفت و گاز و...) در بودجه عمومی کشور (عدم بهره‌برداری کارا از ثروت‌های طبیعی)
منفی	کمی	نسبت اعتبارات هزینه‌ای دولت (بودجه جاری) به بودجه عمومی
منفی	کمی	سهم درآمدهای حاصل از انفال (نفت، گاز و ثروت‌های طبیعی) در بودجه جاری دولت
منفی	کمی	نسبت اعتبارات متفرقه به کل اعتبارات بودجه‌ای (عدم نظارت بر مصرف صحیح دولتی)
مثبت	کمی	نسبت پرداخت داوطلبانه مالیات‌های شرعی (زکات، خمس و...)
		به کل مالیات‌ها (فرهنگ‌سازی پرداخت مالیات‌های شرعی)
منفی	کمی	نسبت فرار مالیاتی به مالیات‌های پرداختی
مثبت	کمی	تسهیل در پرداخت مالیات (متوسط تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه لازم جهت پرداخت مالیات‌ها به متوسط جهانی)

منبع: یافته‌های تحقیق

**۳-۵. حوزه عدالت و رفاه عمومی**

دولت اسلامی مکلف به تأمین کامل وسایل زندگی مردم است و این وظیفه را به‌طور معمول طی دو مرحله انجام می‌دهد: در مرحله اول، دولت برای فرد وسایل کار و امکان مشارکت با

کرامت را در فعالیت‌های اقتصادی فراهم می‌کند تا بتواند براساس کار و کوشش، زندگی خویش را اداره کند. مرحله دوم هنگامی تحقق می‌یابد که فرد جزء گروه سوم باشد یا اگر جزء گروه دوم است، دولت به واسطه وجود شرایط خاص، نتواند اشتغال کامل را فراهم آورد، در این صورت تأمین اجتماعی که متکفل حداقل رفاه نسبی برای همه افراد جامعه به ویژه گروه‌های دوم و سوم است، مطرح می‌شود (آقانظری و گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۲، ص. ۱۲۸).

حضرت علی(ع) در نهج البلاغه وظایف دولت اسلامی را در حمایت از فقرا و مساکین و محتاجین چنین بیان می‌کنند: «خدا را، خدا را نسبت به طبقه پایین جامعه، آنان که راه چاره ندارند. فقیرند و مستمند، گرفتارند و دردمند و عاجز. در این طبقه افراد آبروند و محتاج هستند. حقی را که خدا بر تو نسبت به ایشان مقرر داشته رعایت کن و سهمی از بیت‌المال و محصولات که متعلق به اسلام و مسلمین در هر شهر است، برای آنان مقرر دار، زیرا دورترین افراد مانند نزدیک‌ترینشان حقی دارند و تو مسئول حق هر یک از این‌هایی...، از حال اینان غافل مشو و ...». این عبارات حاکی از مسئولیت عظیم دولت در برابر این طبقه بوده و بنابراین دولت اسلامی است باید خدمت به این قشر مستضعف را در صدر برنامه‌های خود قرار دهد و کمبود نیازهای آنها را از بیت‌المال، که اموال عمومی است تأمین نموده و نگهدارنده سایه فقر و فاقه بر اینان سنگینی کند؛ زیرا از دولت هیچ عذری در تزییع حقوق این طبقه پذیرفته نیست. بنابراین یکی از حوزه‌های مهم سنجش کارایی و اثربخشی دولت، حوزه عدالت و رفاه عمومی است که شاخص‌های مستخرج در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول (۴): شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت در حوزه عدالت و رفاه عمومی

علامت اثرگذاری	روش سنجش/ پیمایش	شاخص
مثبت	کمی	نسبت هزینه‌های مصرفی دو دهک پایین درآمدی به دو دهک بالای درآمدی
مثبت	کمی	نسبت اعتبارات دولتی استان‌های کمتر برخوردار به سایر استان‌ها

علامت اثرگذاری	روش سنجش/ پیمایش	شاخص
مثبت	کمی	میانگین نسبت هزینه‌های مسکن، خوراک و پوشاک در دو دهک پایین درآمدی به دو دهک بالای درآمدی
مثبت	کمی	نسبت خانوارهای زیرخط فقر به کل خانوارها
مثبت	کمی	نسبت پوشش بیمه‌های اجتماعی و رفاهی برای خانواده‌های فقیر (زیر درآمد متوسط)
مثبت	کمی	نسبت پرداخت‌های انتقالی به تولید ناخالص داخلی
مثبت	کمی	عدالت در دسترسی به منابع مالی (بانکی و...): وضعیت تمرکز اعتبارات بانکی
مثبت	کمی	نسبت سرانه فضاهای آموزشی، تفریحی و ورزشی و رفاهی در استان‌های کمتربرخوردار به متوسط کشور
مثبت	کمی	سهم بری عادلانه عوامل تولید: سهم دستمزد نیروی کار از ارزش افزوده کل

منبع: یافته‌های تحقیق

### ۳-۶. حوزه اداری و مدیریتی

در اندیشه معصومین علیهم‌السلام حکومت یک امانت است و نه طعمه و لقمه چرب و نگهبانی از این امانت یک وظیفه است. از نظر حضرت علی (ع) کسی می‌تواند حاکم باشد که حکومت را امانت بداند نه طعمه و موقعیت ویژه برای گردآوری مال (ادیانی و موسوی‌راد، ۱۳۸۹، ص. ۲۹)، ایشان می‌فرمایند: «امر(دین) خدا را فقط کسانی می‌توانند برپا دارند که سازش نکنند، هم‌رنگ جماعت نشوند و در پی مطامع نباشند» (نهج‌البلاغه: ۱۰۷)، این نکته در سخن حضرت به اشعث بن قیس (استاندار ایشان در آذربایجان) کاملاً مشخص است که می‌فرمایند: «پست استانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده بلکه امانتی بر گردن توست. باید از فرمان امام خویش پیروی کنی. در دست تو، مالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است

و تو خزانه دار آنی تا به من بسپاری» (نهج البلاغه: ۵). حضرت در نامه دیگری عدم ایفای مسئولیت کارگزاران خویش را با عنوان «خیانت در امانت» بیان فرموده‌اند (نهج البلاغه: ۲۶). مشهور است که امیرالمؤمنین در خصوص سخت‌گیری در مصرف بیت‌المال به یکی از کارگزاران (نهج البلاغه: ۴۳) خود هشدار جدی داده‌اند که نشان از اهمیت و حساسیت موضوع دارد.<sup>۱۳</sup>

براساس آموزه‌های اسلامی و به‌ویژه فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین در نهج البلاغه در خطاب به آن حضرت به مالک‌اشتر، شاخص‌های کلیدی برای ارزیابی کارایی و اثربخشی دولت در میزان تحقق اهداف و نیل به مقاصد شریعت مقدس وجود دارد. فی‌الجمله می‌توان بیان داشت که اصول اساسی مربوط به حوزه اداره دولت اسلامی و تشکیلات مربوط به آن باید واجد ویژگی‌هایی همانند رضایت‌مندی مردم، بدون فساد و رانت، زندگی متناسب با پایین‌ترین سطوح زندگی مردم، عدم اتلاف منابع بیت‌المال و... باشد. بر همین اساس در جدول (۵) مجموعه شاخص‌های استخراج شده نشان داده شده است.

**جدول (۵): شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت در حوزه اداری و مدیریتی**

علامت اثرگذاری	روش سنجش / پیمایش	شاخص
منفی	کمی	رضایت‌مندی مردم از سیاست‌ها و عملکرد دولت: درصد شکایات واصله از دستگاه‌ها و مسئولان دولتی در دیوان عدالت اداری
مثبت	کمی	تمرکز دولت بر نقش‌های حاکمیتی به‌جای تصدی‌گری: نسبت بودجه دستگاه‌ها و نهادهای نظارتی در بودجه شرکت‌های دولتی (تولیدی)
منفی	کمی	نسبت تخلف و فساد کارکنان دولت به کل کارکنان
منفی	کیفی	درصد خدمات دولتی ارائه شده با رشوه، رانت و پارتی بازی به کل خدمات
منفی	کیفی	سطح تبعیض و رانت در انتصابات و پذیرش مسئولیت‌های دولتی

شاخص	روش سنجش / پیمایش	علامت اثرگذاری
متوسط درآمد و ثروت مسئولین و کارگزاران دولتی به درآمد طبقات متوسط جامعه	کمی	منفی
نسبت ثروت و درآمد مسئولین و کارگزاران دولتی قبل و بعد از مسئولیت	کمی	منفی
درصد برون‌سپاری اجرای پروژه‌ها و طرح‌های عمرانی، تحقیقاتی و... دولتی با رانت، پارتی بازی و تبعیض به کل طرح‌ها	کیفی	منفی
نسبت بهره‌وری نیروی کار در دولت و شرکت‌های دولتی به بهره‌وری در بخش‌های غیردولتی	کمی	منفی
نسبت هزینه تمام شده طرح‌های عمرانی به هزینه پیش‌بینی شده آنها	کمی	منفی
نسبت زمان خاتمه طرح‌های عمرانی به زمان برنامه‌ریزی شده	کمی	منفی

منبع: یافته‌های تحقیق

### ۳-۷. حوزه تنظیم‌گری و نظارت بر بازار

در آموزه‌های اسلامی خصوصیات و شاخصه‌های متعددی برای مبادلات مردم در بازار وجود دارد. در نامه حضرت امیر به مالک‌اشتر این‌گونه آمده است که باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد. مبتنی بر آموزه‌های اقتصادی اسلام و همچنین روایات و فرمایشات حضرت امیر(ع) در نهج‌البلاغه شاخص‌های این حوزه در جدول (۶) استخراج شده است.

جدول (۶): شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت در حوزه تنظیم‌گری و نظارت بر بازار کالا و خدمات

شاخص	روش سنجش / پیمایش	علامت اثرگذاری
سطح احتکار، تبانی، گران‌فروشی و... در بازار کالا و خدمات	کیفی	منفی

علامت اثرگذاری	روش سنجش / پیمایش	شاخص
مثبت	کمی	تسهیل مبادلات و تجارت: پیچیدگی و سختی تجارت و فعالیت اقتصادی سالم (زمان، مراحل اداری و هزینه‌های شروع و ادامه کسب‌وکار)
مثبت	کیفی	نظارت بر تولید: میزان رضایت مردم از نظارت دولت بر تولید و عرضه کالاها و خدمات عرضه شده در کشور
مثبت	کمی	سهم یارانه‌هایی حمایت از تولیدات راهبردی و اساسی موردنیاز کشور از کل یارانه‌ها و بودجه حمایتی
منفی	کمی	رضایت از بازار: درصد شکایات واصله از واحدهای تولیدی و عرضه‌کننده کالاها و خدمات در مراجع نظارتی
منفی	کمی	نسبت انحصار تولید یا تجارت در کالاها و خدمات برای کارگزاران دولتی یا نزدیکان و وابستگان آنها
مثبت	کمی	رقابتی بودن تولیدات: نسبت صادرات کالاها و خدمات به تولید کل
منفی	کمی	تأمین زیرساخت‌های بازار: نسبت دست‌فروشان به واحدهای صنفی در هریک از رشته فعالیت‌ها
منفی	کمی	گستره نظارت: نسبت واحدهای تولیدی زیرزمینی (بدون مجوز فعالیت) به واحدهای دارای مجوز (حجم اقتصاد زیرزمینی)

منبع: یافته‌های تحقیق

### ۳-۸. حوزه امنیت اقتصادی و حقوق مالکیت

تأمین امنیت اقتصادی در کنار تضمین حقوق مالکیت افراد یکی از وظایف مهم دولت‌ها محسوب می‌شود. این مهم در آموزه‌های اسلامی نیز مورد تأکید بوده است. به‌عنوان مثال وابستگی کالاها و خدمات اساسی و راهبردی کشور اسلامی به کشورهای غیراسلامی یا کشورهایی که تحت نفوذ کشورهای معاند با اسلام هستند، قطعاً یکی از مصادیق نقش قاعده

نفی سبیل است چرا که به فرمایش خداوند در قرآن کریم «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱).

مسأله حقوق مالکیت نیز یکی دیگر از موضوعات زیربنایی است که دولت اسلامی باید تأمین‌کننده آن باشد. به‌عنوان مثال اگر افراد در خصوص حقوق خود در قراردادها و مبادلات اقتصادی امنیت و تضمین لازم را نداشته باشند، موجب ایجاد هرج و مرج و تضييع حقوق افراد خواهد شد. با هدف سنجش میزان کارایی و اثربخشی دولت در این حوزه، شاخص‌های ذیل استخراج شده‌اند.

**جدول (۷): شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت در حوزه امنیت اقتصادی و حقوق مالکیت**

علامت اثر گذاری	روش سنجش / پیمایش	شاخص
منفی	کمی	نسبت ورود کالاهای قاچاق به کل واردات کالاها
منفی	کمی	حقوق مالکیت: نسبت چک‌های برگشتی به کل چک‌های مبادله شده
منفی	کمی	نسبت مبادلات و معاملات منتهی به کلاهبرداری، اختلاس، زمین‌خواری و... در هر N مبادله
مثبت	کمی	امنیت غذا: نسبت تولید محصولات غذایی ضروری و اساسی در داخل کشور به مصرف آنها
منفی	کمی	عدم وابستگی اقتصادی: نسبت واردات کالاها و خدمات راهبردی (استراتژیک) به مصرف آنها در کشور
منفی	کمی	عدم وابستگی اقتصادی: نسبت واردات کالاها به تولید ناخالص داخلی

منبع: یافته‌های تحقیق



### ۳-۹. حوزه علم و آموزش

حضرت امیر(ع) در عهدنامه خود به مالک‌اشتر می‌فرماید: «اما حق شما بر من این است که... به شما آموزش دهم تا جاهل نمانید و شما را تربیت کنم تا پیامزید و برطبق آن رفتار کنید» (نهج البلاغه: ۳۴). دولت اسلامی نمی‌تواند در برابر تحولات اخلاقی جامعه و میزان تقید آن به انجام معروف‌ها و دوری از منکرات بی‌تفاوت باشد؛ بلکه برعهده دولت اسلامی است که از سلامت روحی مردم مراقبت کرده، به فکر توسعه معنویات باشد و بر همین اساس است که تمام متفکران سیاسی و فقیهان مسلمان بر انجام اقدام‌های عملی از سوی دولت برای عینیت بخشیدن به نظام اخلاقی اسلام و گسترش امور معنوی و بالا بردن احساس مسئولیت مردم، تأکید ورزیده‌اند (موسویان، ۱۳۸۲، ص. ۶۱). کوشش برای دستیابی به توسعه از راه سرمایه‌گذاری بر روی منابع انسانی با تأکید بر قابلیت‌ها و استعدادهای انسانی، نه تنها قابل قبول، بلکه یگانه راه شکل‌گیری فرآیند توسعه بر مبنای عدالت اقتصادی است (آقانظری، ۱۳۹۰، ص. ۵۷).

آموزش رسمی یکی از شاخص‌هایی است که می‌تواند آگاهی عمومی جامعه را ارتقا بخشیده و زمینه رشد را فراهم نماید. آگاهی از این شاخص، اثربخشی دولت را در زمینه ارتقای آموزشی مردم نشان داده و زیرساخت‌های رفاه اجتماعی و توسعه اقتصادی را فراهم می‌نماید. در این حوزه چند شاخص می‌تواند به‌طور کلی کارایی و اثربخشی دولت را در حوزه آموزش نشان دهد که در جدول (۸) نشان داده شده است:

جدول (۸): شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت در حوزه علم و آموزش

شاخص	روش سنجش / پیمایش	علامت اثرگذاری
نرخ باسوادی (نسبت تعداد افراد با سواد به کل جمعیت)	کمی	مثبت
نسبت تعداد افراد با تحصیلات عالی به تعداد کل باسوادان	کمی	مثبت
سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی	کمی	مثبت
درصد اعتبارات دولتی تحقیقات از کل اعتبارات تحقیقاتی	کمی	مثبت

علامت اثرگذاری	روش سنجش / پیمایش	شاخص
مثبت	کمی	تعداد طرح‌های علمی و تحقیقاتی منتهی به نوآوری و تولید زنجیره ارزش
مثبت	کمی	تعداد اختراعات و اکتشافات به ثبت رسیده
مثبت	کمی	سهم صادرات کالاها و خدمات های تک (با فناوری و دانش بالا) از کل صادرات

منبع: یافته‌های تحقیق

### ۳-۱۰. رتبه‌بندی شاخص‌های کارایی و اثربخشی دولت در اقتصاد اسلامی

در بخش قبل مبتنی بر مبانی نظری، شاخص‌های سنجش کارایی و اثربخشی دولت در ۸ حوزه استخراج و ارائه شد. این شاخص‌ها به صورت کلی و بدون تأیید خبرگان و رتبه‌بندی میزان تأثیرگذاری و اهمیت بیان شد.

در این راستا به منظور تأیید خبرگانی این شاخص‌ها و رتبه‌بندی شاخص‌های با اهمیت‌تر در هریک از حوزه‌ها، پرسشنامه‌ای به همین منظور تدوین شد و به جمعی از متخصصین این حوزه ارسال گردید. سؤال اصلی پرسشنامه بدین شرح بود: آیا با شاخص‌های زیر می‌توان «کارایی» و «اثربخشی» دولت در هریک از حوزه‌های هشتگانه زیر را سنجش و ارزیابی نمود؟ میزان اهمیت هریک از شاخص‌ها به چه میزان است؟

مجموع شاخص‌های تدوین شده در ۸ حوزه مربوط به کارایی و اثربخشی دولت ۶۴ شاخص بوده است که به تفکیک هر حوزه در پرسشنامه درج شده و در خصوص اینکه این شاخص‌ها آیا برای سنجش کارایی و اثربخشی آن حوزه مناسب هستند یا خیر و میزان اهمیت هریک از خبرگان سوال شده است.

پس از دریافت پرسشنامه‌ها، پاسخ‌های کیفی براساس نمره‌دهی عدد ۹ برای «خیلی زیاد»، عدد ۷ برای «زیاد»، عدد ۵ برای «تاحدودی»، عدد ۳ برای «کم» و عدد ۱ برای «خیلی کم»

محاسبه شدند و مجموع نمرات برای هریک از شاخص‌ها محاسبه گردید و براساس نمرات بیشتر به کمتر مرتب شد.

در برخی از نتایج دریافتی، تعداد محدودی از شاخص‌ها رد شده بودند که با توجه به درصد پایین بودن آن اغماض شد. نتایج ارزیابی خبرگان در خصوص اهمیت هریک از شاخص‌های ۶۴ گانه در ۸ حوزه در جداول (۹) نشان داده شده است.

**جدول (۹): نتایج رتبه‌بندی شاخص‌های سنجش کارایی و اثربخشی دولت در چارچوب اقتصاد اسلامی**

رتبه اهمیت	مجموع امتیازها	محور مربوطه	عنوان شاخص
۱	۱۱۳	عدالت و رفاه عمومی	نسبت خانوارهای زیرخط فقر به کل خانوارها
۲	۱۰۹	امنیت اقتصادی و حقوق مالکیت	نسبت ورود کالاهای قاچاق به کل واردات کالاها
۳	۱۰۷	پولی و مالی	تناسب بخش پولی با بخش واقعی: نسبت رشد نقدینگی به رشد اقتصادی
۳	۱۰۷	اداری و مدیریتی	سطح تبعیض و رانت در انتصابات و پذیرش مسئولیت‌های دولتی
۴	۱۰۵	درآمد و هزینه دولت	سهم درآمدهای حاصل از منابع پایان پذیر (معادن نفت و گاز و...) در بودجه عمومی کشور (عدم بهره‌برداری کارا از ثروت‌های طبیعی)
۶	۱۰۵	عدالت و رفاه عمومی	میانگین نسبت هزینه‌های مسکن، خوراک و پوشاک در دو دهک پایین درآمدی به دو دهک بالای درآمدی
۵	۱۰۳	پولی و مالی	ثبات ارزش پول ملی: رشد شاخص تورم

رتبه اهمیت	مجموع امتیازها	محور مربوطه	عنوان شاخص
۵	۱۰۳	پولی و مالی	تناسب بخش پولی با بخش واقعی؛ نسبت بازدهی بخش پولی به متوسط بازدهی بخش واقعی
۵	۱۰۳	درآمد و هزینه دولت	نسبت بدهی دولت به بانک مرکزی به درآمدهای عمومی دولت (عدم انضباط مالی)
۵	۱۰۳	عدالت و رفاه عمومی	نسبت هزینه‌های مصرفی دو دهک پایین درآمدی به دو دهک بالای درآمدی
۵	۱۰۳	عدالت و رفاه عمومی	نسبت اعتبارات دولتی استان‌های کمتر برخوردار به سایر استان‌ها
۵	۱۰۳	اداری و مدیریتی	نسبت انحصار تولید یا تجارت در کالاها و خدمات برای کارگزاران دولتی یا نزدیکان و وابستگان آنها
۶	۱۰۲	کلان اقتصادی	نرخ رشد اقتصادی
۷	۱۰۱	اداری و مدیریتی	درصد خدمات دولتی ارائه شده با رشوه، رانت و پارتی بازی به کل خدمات
۷	۱۰۱	امنیت اقتصادی و حقوق مالکیت	امنیت غذا: نسبت تولید محصولات غذایی ضروری و اساسی در داخل کشور به مصرف آنها
۷	۱۰۱	امنیت اقتصادی و حقوق مالکیت	عدم وابستگی اقتصادی: نسبت واردات کالاها و خدمات راهبردی (استراتژیک) به مصرف آنها در کشور
۸	۹۹	درآمد و هزینه دولت	نسبت کسری بودجه به تولید ناخالص داخلی (تعادل بین منابع و مصارف دولت)
۸	۹۹	اداری و مدیریتی	نسبت ثروت و درآمد مسئولین و کارگزاران دولتی قبل و بعد از مسئولیت

رتبه اهمیت	مجموع امتیازها	محور مربوطه	عنوان شاخص
۹	۹۷	درآمد و هزینه دولت	نسبت ارزش ستانده‌ها و خدمات ارائه شده در دستگاه‌های دولتی به بودجه آنها
۹	۹۷	درآمد و هزینه دولت	نسبت اعتبارات هزینه‌ای دولت (بودجه جاری) به بودجه عمومی
۹	۹۷	عدالت و رفاه عمومی	نسبت پوشش بیمه‌های اجتماعی و رفاهی برای خانواده‌های فقیر (زیر درآمد متوسط)
۹	۹۷	تنظیم‌گری و نظارت بر بازار	تسهیل مبادلات و تجارت: پیچیدگی و سختی تجارت و فعالیت اقتصادی سالم (زمان، مراحل اداری و هزینه‌های شروع و ادامه کسب‌وکار)
۹	۹۷	علم و آموزش	نرخ باسوادی (نسبت تعداد افراد با سواد به کل جمعیت)
۹	۹۷	علم و آموزش	سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی
۹	۹۷	تنظیم‌گری و نظارت بر بازار	سهم صادرات کالاها و خدمات‌های تک (با فناوری و دانش بالا) از کل صادرات
۱۰	۹۵	عدالت و رفاه عمومی	عدالت در دسترسی به منابع مالی (بانکی و...): وضعیت تمرکز اعتبارات بانکی
۱۰	۹۵	عدالت و رفاه عمومی	نسبت سرانه فضاهای آموزشی، تفریحی و ورزشی و رفاهی در استان‌های کمتربرخوردار به متوسط کشور
۱۰	۹۵	امنیت اقتصادی و حقوق مالکیت	حقوق مالکیت: نسبت چک‌های برگشتی به کل چک‌های مبادله شده

رتبه اهمیت	مجموع امتیازها	محور مربوطه	عنوان شاخص
۱۰	۹۵	علم و آموزش	تعداد طرح‌های علمی و تحقیقاتی منتهی به نوآوری و تولید زنجیره ارزش

منبع: محاسبات تحقیق

در جدول رتبه‌بندی شاخص‌های استخراج شده، رتبه‌های ۱ تا ۱۰ آورده شده است (برخی از شاخص‌ها دارای امتیاز و رتبه مشابه هستند). حوزه عدالت و رفاه عمومی و شاخص «نسبت خانوارهای زیرخط فقر به کل خانوارها» در این حوزه، رتبه نخست از ۶۴ شاخص را به خود اختصاص داده است که نشان می‌دهد براساس نظرات خبرگان، حوزه عدالت در سنجش کارایی و اثربخشی دولت با شاخص نسبت خانوارهای زیرخط فقر (پایین بودن این نسبت) مهم‌ترین مؤلفه و شاخص است. در رتبه‌های بعدی نیز حوزه امنیت اقتصادی، پولی و مالی و... قرار دارند.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این تحقیق برآن بودیم تا ضمن ارائه مفهوم کارایی و اثربخشی در اقتصاد، مبتنی بر چارچوب وظایف دولت اسلامی، مشخص نماییم که آیا در اقتصاد اسلامی مقوله کارایی و اثربخشی وظایف دولت، مورد توجه قرار گرفته است. اگر پاسخ مثبت است چه شاخص‌هایی را می‌توان برای سنجش کارایی و اثربخشی دولت براساس آموزه‌های اقتصادی اسلام و علم اقتصاد با شرط عدم‌مغایرت با مبانی اقتصاد اسلامی ارائه نمود و هریک از این شاخص‌ها چقدر دارای اهمیت هستند؟ بر این اساس مبتنی بر مبانی نظری نقش و وظایف دولت در اقتصاد اسلامی، ۸ حوزه برای سنجش عملکرد وظایف دولت استخراج شد و در هر حوزه شاخص‌هایی براساس آموزه‌های اسلامی و عرف و بنای عقلا در اقتصاد ارائه گردید و در قالب پرسشنامه از رتبه‌بندی گردید.

نتایج رتبه‌بندی شاخص‌های ۶۴ گانه سنجش کارایی و اثربخشی دولت در اقتصاد اسلامی براساس اطلاعات تکمیل شده در پرسشنامه خیرگانی، به تفصیل در متن بخش نهایی ارائه گردید. شاخصی که بیشترین امتیاز را در بین سایر شاخص‌ها اخذ نمود، شاخص نسبت خانوارهای زیر خط فقر به کل خانوارها از حوزه عدالت و رفاه عمومی بود. بر این اساس هرچقدر این نسبت عدد کمتری را داشته باشد در واقع دولت در حوزه اقتصاد کارآتر و اثربخش‌تر عمل نموده است. سایر شاخص‌ها نیز در حوزه‌هایی همانند نظارت بر بازار، پولی و مالی و... در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار گرفتند.

این تحقیق شاخص‌های سنجش کارایی و اثربخشی دولت در انطباق با اقتصاد اسلامی را ارائه نمود که در تحقیقات بعدی می‌توان به ارزیابی وضعیت موجود این شاخص‌ها و ارزیابی عملکرد دولت (حاکمیت) اقدام نمود بدین نحو که هر یک از شاخص‌های کمی با مراجعه به آمار و اطلاعات محاسبه گردیده و همچنین پیمایش‌های لازم برای سنجش شاخص‌های کیفی ارائه گردد.

#### یادداشت‌ها

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد موسی شهبازی غیاثی به راهنمایی دکتر محمدهادی زاهدی وفا و مشاوره دکتر الیاس نادران می‌باشد.

2. Output
3. Effectiveness
4. Afonso, Schaknecht & Tanzi
5. Guran, Tosun
6. Data Envelopment Analysis
7. Angelopoulos, Philippopoulos, Tsionas
8. Bartuseviciene & Sakalyte
9. kahf

۱۰. «لا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱).

۱۱. به سوره روم، آیه ۴۶، سوره فاطر، آیه ۱۲ و سوره جاثیه، آیه ۱۲ مراجعه شود.

۱۲. علامت منفی به معنای این است که شاخص مورد نظر ارتباط معکوس با کارایی و اثربخشی دولت دارد.

۱۳ گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده‌ای، و امام خویش را نا فرمانی کرده‌ای، خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هایشان گردآورده و با ریخته شدن خون‌هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تواند، و تو را برگزیدند، می‌بخشی! به خدایی که دانه را شکافت، و پدیده‌ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است! پس حق پروردگارت را سبک مشمار، و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن، که زیان‌کارترین انسانی، آگاه باش، حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند در تقسیم بیت المال مساوی است، همه باید به نزد من آیند و سهم خود را از من گیرند.

#### کتابنامه

- آقائزوری، حسن (۱۳۹۰). مبانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آقائزوری، حسن؛ و گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۲). نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی (چاپ اول). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- توتونچیان، ایرج، و عیوضلو، حسین (۱۳۷۹). کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد. فصلنامه تحقیقات اقتصادی، ۱۹(۷۵)، ۹۷-۱۳۲.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۶۷). الحیات، (احمد آرام، مترجم)، تهران: فرهنگ اسلامی.
- خاندوزی، سیداحسان (۱۳۹۰). شاخص‌سازی عدالت اقتصادی با رویکرد اسلامی در اقتصاد ایران؛ با استفاده از روش نماگرهای ترکیبی (رساله دکتری). دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
- رضایی، مجید (۱۳۸۳). جایگاه دولت در نهاد اقتصاد. اقتصاد اسلامی، ۴(۱۴)، ۳۷-۶۲.
- صباغ‌کرمانی، مجید و باسنا، مهدی (۱۳۸۸). نقش حکم‌رانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت؛ مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی. تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، ۱(۴۴)، ۱۰۹-۱۳۰.



عیوضلو، حسین (۱۳۸۴). عدالت و کارایی (چاپ اول). تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.  
غفاری، هادی (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی جایگاه و نقش دولت در نظام‌های اقتصادی. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.

فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۱). نقش دولت در اقتصاد. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.  
قلیچ، وهاب (۱۳۸۹). دولت اسلامی و نظام توزیع درآمد. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.  
صدر، محمدباقر (۱۳۵۷). اقتصادنا. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.  
موسویان، سیدعباس (۱۳۸۲). جایگاه دولت در اقتصاد از دیدگاه اسلام. اقتصاد اسلامی، ۳(۱۰)، ۷۹-۵۵.

- Afonso, A., Schuknecht, L., & Tanzi, V. (2005). Public Sector Efficiency: an International Comparison. *Public Choice*, 123(3-4), 321-347.
- Angelopoulos, K., Philippopoulos, A., & Tsonas, E. (2008). Does Public Sector Efficiency Matter? Revisiting the Relation Between Fiscal Size and Economic Growth in a World Sample. *Public Choice*, 137(1-2), 245-278.
- Bartuseviciene, I., & Sakalyte, E. (2013). Organizational Assessment: Effectiveness vs. Efficiency. *Social Transformations in Contemporary Society*, 1(1), 45-53.
- Guran, M. C. (2008). A Cross-Country Analysis of Public Sector Interventions' Efficiency. *Ekonomicky Casopis*, 56(02), 182-211.
- Kahf, M. (2005). Public Sector Economics From Islamic Perspective, Mimeo.
- Low J. (2000). The Value Creation Index. *Intellectual Capital*. 1(3), 252-262,
- Mimicopoulos, M. G., Kyj, L., Sormani, N., Bertucci, G., & Qian, H. (2007). Public Governance Indicators: A Literature Review. *United Nations*, 1-55.